

بشت

اقلیم آزاداندیشی

نویسنده: آرمان پیدار بخت‌نیا

«تقدیم به مادر و پدرم»

سرشناسه	:	بیداریخت‌نیا، آرمان، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور	:	پشت هیجستان: (اقلیم آزاداندیشی)/مولف آرمان بیداریخت‌نیا.
مشخصات نشر	:	شیراز: حس هفتم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۳ ص.: مصور، عکس.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۵۷-۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیفا
موضوع	:	نگرش (روان شناسی) — تغییر
موضوع	:	Attitude change
موضوع	:	آزاد اندیشی
موضوع	:	Free thought
موضوع	:	آزادی
موضوع	:	Liberty
رده بندی کنگره	:	BF۳۲۷
رده بندی دیویی	:	۱۵۳/۸۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۰۸۷۹۶
رکورد کتابشناسی	:	فیفا

عنوان کتاب: پشت هیجستان (اقلیم آزاداندیشی)

مؤلف: آرمان بیداریخت‌نیا

طراح جلد و صفحه‌آرا: مریم تقدیری

ویراستار: زینب صبوری‌زاده

ناشر: حس هفتم

نوبت و سال چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۵۷-۶-۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

*حق چاپ محفوظ است

شعبه شیراز: خیابان زند. نبش بیست متری سینماسعدی

تلفکس: ۰۷۱-۳۲۳۰۰ ۲۹۳-۳۲۳۵۴۴۲۲

شعبه تهران: خیابان شهید بهشتی (عباس آباد)، خیابان قائم مقام، خیابان

چهارم، پلاک ۱۵، طبقه ۴، واحد ۱۵ تلفکس: ۰۲۱-۸۸۷۵۹۴۹۰-۹۱

www.hesehaftom.com

@hese.haftom.pub



فهرست

۹.....	سخنی با خواننده
۱۳.....	به خاطر بسپاریم
۱۵.....	۱. دیباچه
۲۷.....	۲. زبان مشترک ما
۴۱.....	پدیده
۴۴.....	استدلال ورزی
۴۹.....	منطق و استدلال منطقی
۶۱.....	علم و روش علمی
۶۵.....	۳. ما و آزاداندیشی
۶۵.....	آزاداندیشی روشنفکرانه، یا روشنفکری آزاداندیشانه؟
۷۱.....	آزاداندیشی شاعرانه
۸۳.....	رهایی از چه؟

۴. از کجا و چگونه می‌دانیم؟ ۸۹
- دانش، نقطه‌ی آغازین ۹۱
- فرضیه و باور، حس و تجربه ۱۰۱
- هدف، رسیدن نیست ۱۰۹
- با دانش خود چه می‌کنیم؟ ۱۱۱
- عقل یا احساس؟ ۱۱۴
- خود ساده‌لوح ۱۲۱
۵. ابزار آزاداندیشی ۱۳۳
- اندیشیدن نقادانه ۱۳۴
- تشخیص مغالطه ۱۳۷
- مرجع موثق ۱۳۸
- دلیل و علت ۱۴۵
- امکان و احتمال ۱۵۰
- قانون اعداد بزرگ و قطعیت رویدادهای نادر ۱۵۲
- هم‌بستگی و علیت ۱۵۸
- سوگیری تأییدی ۱۶۲
- جزء، غریبه با کل ۱۷۰
- توسل ۱۷۷
- پیامدهراسی ۱۷۹

سخنی با خواننده:

به جز ظاهر آدم‌ها، آنچه که آن‌ها را از هم متفاوت می‌کند، زبان و هویت و نژاد و زادگاه و فرهنگ و حرفه و جنسیت نیست؛ بلکه مجموعه‌ی این‌ها از راه اندیشیدن بین ما تفاوت ایجاد می‌کنند. درواقع تفاوت حقیقی بین مردم دنیا، در تفاوت بین روش‌های اندیشیدن آن‌هاست، و شگفتانگیز است که به‌ندرت دیده‌ام به‌کودکی در مدرسه، «اندیشیدن» آموخته شود. دانش را به‌عنوان ابزار در اختیار کودکان خود قرار می‌دهیم، ولی روش استفاده از آن برای رسیدن به قضاوت نزدیک به حقیقت را از ایشان دریغ می‌کنیم. در دنیایی که دسترسی به دانش، اطلاعات و اخبار، بسیار آسان و تقریباً رایگان است، ضرورت مجهز کردن خود و فرزندانمان به توانایی بررسی این حجم گسترده از اطلاعات، تمیز سره از ناسره و اتخاذ تصمیم درست، لازمه‌ی زندگی اجتماعی سالم است. زندگی اجتماعی که در آن بتوانیم در کنار سایر گروه‌ها و با تمام تفاوت‌ها، هم‌زیستی محترمانه و تعامل سازنده داشته باشیم. همچنین بتوانیم نقش مسئولانه‌ی خود را به‌عنوان یک شهروند جهانی، به‌خوبی

ایفا کنیم. خوشبختانه امروزه با گسترش رسانه‌ها و آزادی اطلاعات، هرکسی می‌تواند بدون خروج از منزل، به عمق مناقشات، تبعیض‌ها، ترورها، تعصب‌ها، خرافه‌پرستی‌ها و قبیله‌گرایی‌ها در بین مردم دنیا پی ببرد. بنابراین نیازی به اثبات وجود این همه گوناگونی و گاه‌آ تضاد نیست. پرسش اصلی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که چرا این گوناگونی، پدیدآورنده‌ی چنین پلشتی‌هایی شده است؟

باید اعتراف کنم که من روان‌شناس، فیلسوف، و یا جامعه‌شناس نیستم. از این مجموعه نباید انتظار ارائه‌ی یک چارچوب نظری بر پایه‌ی مشاهدات تجربی آزمایشگاهی را داشت. انگیزه‌ی من برای نگارش این مجموعه از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در بررسی علل دورافتادن ملت‌ها از آرمان‌های توسعه، از هر مسیری که آغاز می‌کنم، به «انتخاب‌ها» و «باورهای» شخصی خود ما ختم می‌شود. تا آنجا که به نظر می‌رسد آزاداندیشی و رهایی از مداخله‌ی خطاهای ذهن در باورپذیری ما، تنها راه ریشه‌ای و پایدار برای سعادت جمعی است. به همین دلیل در این کتاب سعی کرده‌ام به دور از دقایق نظری و علمی و با زبانی ساده به بررسی جنبه‌های مختلف آزاداندیشی، آفات و آثار آن بپردازم؛ تا برای همه‌ی مخاطبین، قابل استفاده باشد. شاخص موفقیت ما در سرانجام سفر، این است که توانسته باشیم برخی باورهای خود، و روش اندیشیدن در توضیح و توجیه آن‌ها را به آزمایش عقل بگذاریم. همچنین به خاطر بسپاریم که پاسخ‌های ما آن‌چنان اهمیتی ندارند، بلکه این وفاداری

ما به اصول استدلال منطقی و کنکاش درونی برای دست‌یافتن به تمایلات و کشش‌های ماست که با ارزش است. چرا که پیش‌فرض‌ها، باورها، تعصب‌ها و علایق ما، زنجیرهایی است که پای ذهن را در مسیر آزاداندیشی می‌بندد؛ حجابی می‌افکنند بین ما و آن‌سوی هیچستان؛ آنجا که اندیشه، سبک‌بال است. باران آگاهی تنها بر کسانی می‌بارد که عطش پرسیدن دارند، نه آنان که از «می‌دانم»‌ها سیراب‌اند.

در تردد، ذهن را عریان کن؛ در مسیری که عطش سیراب است؛ در فراسوی یقین؛ که هوا آبستن ز تمنای فراغ است. ته دالانِ سؤال، چند قدم مانده به هیچستان است. چه قدم‌ها تنهاست! حلقه‌ی در، به طلب کوفتن‌ات می‌طلبد؛ خواهش باران کن؛ تن چشمانت را، ارمغان تاریخ، و میراث جهان را، به ترنم بسپار.

آرمان بیدار بخت‌نیا

تابستان ۱۳۹۹